

# در اثر اجرای سیاست اقتصادی دولت شماری از کارخانه های تولیدی کشور در آستانه سقوط قرار گرفته اند.

احمد ضیا صدیقی :

## چگونه گی توسعه صنایع در افغانستان

پس از پنجسال اجرای سیاستهای اقتصادی توصیه شده از جانب سازمانها و نهاد های مالی و تجارتي جهانی در افغانستان و وارد کردن اصلاحات در قوانین و اسناد تقنینی مالی و تجارتي کشور، بر خلاف تبلیغات وسیع دولت در رابطه به مزیت های اقتصاد بازار آزاد، نشانی از بازسازی، توسعه و گسترش صنایع در کشور دیده نمیشود، هم اکنون شمار قابل ملاحظه یی از کارخانه های تولیدی در کشور در آستانه سقوط قرار گرفته اند، این وضعیت نشان میدهد که سیاست اقتصادی دولت که در چوکات نظام اقتصاد بازار آزاد تدوین و اجرا میگردد برای توسعه و انکشاف صنایع، در این مرحله تکامل تاریخی کشور کار ساز نیست.

هر گاه نگاه مختصری به چگونه گی وضع صنایع در کشور بیاندازیم، به وضاحت روشن میگردد که، دهها کارخانه و دستگاه کوچک و بزرگ تولیدی در افغانستان سیاست اقتصادی بازار آزاد را دشمن کار و تولید خود معرفی می نمایند، از جمله کوه نور پلاستیک، یکی از دهها کارخانه کوچک تولیدی است که ظرف سالهای اخیر در افغانستان گشایش یافته و محصولات آن به بازار عرضه میگردد، این کارخانه عمدتاً به تولید چند گونه کفش پلاستیکی اختصاص دارد که مواد اولیه آن از خارج وارد میگردد و یا هم از مواد استهلاک شده داخلی تهیه میشود. متصدی این کارخانه می گوید: " فروش ما در گذشته خوب بود، اما با آغاز رقابت اقتصادی بازار آزاد، کارخانه ما در آستانه سقوط قرار گرفته است چون اکثر اجناس از چین وارد میشود و ما

توانایی رقابت با محصولات خارجی را نداریم... (صفحه انترنیتی بی بی سی ۲۸ جون ۲۰۰۶)

گرچه در حال حاضر به اساس گزارشهای " انجمن صنعت کاران افغانستان " ۱۶۴ کارخانه بزرگ و کوچک تولیدی در شهر کابل و دهها کارخانه در شهرهای هرات، قندهار، مزارشریف و ننگرهار فعال بوده و بیشتر از پنجاه هزار کارگر در آنها مصروف تولید ادویه، پاپوش، البسه، پارچه های مختلف، مواد خوراکه، محصولات پلاستیکی و سایر کالا های استهلاکی مورد تقاضای داخلی میباشند، ولی روز تا روز نشانه های بارز ورشکسته گی در صنایع جوان و نو بنیاد کشور به چشم می خورد.

هر گاه به گونه نمونه به عرصه تولید کفش در کشور نظر اندازیم، (مطابق ارزیابی های اخیر وزارت تجارت افغانستان) طی سال گذشته کاهش قابل ملاحظه در تولید کفش به میان آمده که عامل عمده آن عرضه کفشهای وارداتی چینی در بازارهای داخلی توسط تاجران داخلی و خارجی پنداشته میشود، با آنکه کیفیت این کفشها بمراتب پایینتر از تولیدات داخلی است ولی بنابر نازل بودن قیمت فروش آن از بازار خوبی بر خوردار بوده و فابریکه های تولید کفش داخلی توانایی رقابت با آن را ندارند.

آنچه روشن است اینکه افغانستان به مارکیت کالاهای کم کیفیت استهلاکی و تجملی غیر ضروری کشورهای همسایه به ویژه پاکستان، ایران و چین تبدیل گردیده و اغلب فابریکه های تولیدی داخلی قدرت رقابت را در برابر کالاهای مشابه وارداتی از دست داده اند، براساس گزارشهای منتشره در سال ۲۰۰۵ پاکستان به ارزش یک بلیون و دو صد میلیون دالر امریکایی و کشور ایران به ارزش پنج صد میلیون دالر در همین سال کالاهای تجارتي استهلاکی به افغانستان صادرات داشته اند "هفته نامه امید شماره ۷۳۸". هر گاه ورود کالاهای استهلاکی را که به صورت غیر مجاز (قاچاق) وارد کشور گردیده در محاسبه های خویش در نظر بگیریم حجم کالاهای وارداتی از کشورهای همسایه به مراتب بیشتر از ارقام فوق است.

تجربه پنجساله عملکرد دولت در عرصه اقتصادی نشان میدهد که اجرای سیاست های اقتصادی سفارش شده نهادهای مالی و تجارتي فراملي و به کارگيري الگوهاي متحدالمان سازمان تجارت جهاني، صندوق بين المللي پول، بانک انكشاف آسيائي و بانک جهاني بدون در نظر گرفتن ويژه گيهاي ساختاري اقتصادي-اجتماعي و درجه رشد و تكامل مرحله جاري کشور نه تنها زمينه هاي لازم را براي توسعه و گسترش توليدات داخلي فراهم نتوانسته بلکه دهها دستگاه و فابريکه کوچک و بزرگ را از دايره فعاليت توليدي حذف و يا در آستانه سقوط قرار داده و مؤسسات توليدي نو بنياد کشور را از حمايت دولت بي نصيب گردانیده است، زيرا مقرره هاي سازمان تجارت جهاني کشورهای عضو را متعهد ميسازد که، نسبت به عرضه کننده هاي کالا هاي خارجي و همتا هاي داخلي شان سياست واحدی را اعمال کنند. براي کشورهای عقب نگهداشته شده و فقير، اتخاذ سياست واحد تجارتي در برابر کليه عرضه کننده هاي کالاهاي توليدي ( اشيا و خدمات ) داخلي و خارجي در شرايطي که توليدات داخلي حداقل قدرت رقابت را از نظر کيفي و کمی در برابر کالاهاي وارداتي خارجي ندارند در حقيقت نابودي توليدات داخلي بوده و چيزي جز تبديل اين کشورها به یک جامعه مصرفي نيست. البته در اين جای شک نيست که تجارت جهاني ميتواند يکي از فاکتورهاي انكشاف و باز دارنده فقر در کشورهای پيراموني و فقير تلقی گردد، ولي باز گذاشتن درهاي تجارت اين کشورها بدون اتخاذ تدابير حمايه يي از توليدات داخلي در حقيقت نابودي توليدات داخلي است، گرچه کشورهای پيشرفته صنعتي سرمايه داري آماده گي بازکردن در هاي تجارت خود را براي کشورهای فقير ابراز ميدارند ولي همزمان براي صنايع توليدي خود هم اقدامات گسترده حمايتي قايل اند.

بايد تذکر داد که از دید علم اقتصاد هم سيستم اقتصاد بازار آزاد و هم سيستم اقتصاد رهبري شده دولتي، داراي کاستيها و مزيتهاي ساختاري فراواني اند،(اين مسأله در نوشتار نگارنده اين سطور تحت عنوان "برخي ويژه گيهاي اقتصاد بازار آزاد" مورد ارزيابي قرار گرفته - "آينده" نشريه نهضت آينده افغانستان شماره ۲۶،۲۷ نوامبر ۲۰۰۵ و سايت انترنيتي آن ) ولي پيشبرد یک برنامه توسعه اقتصادي

موفق در چار چوب اقتصاد جهانی بازار آزاد مستلزم یک دولت ملی (مردمی) و کار آمد است که بتواند ظرفیتهای و نهاد های لازم برای تولید و رقابت در بازار جهانی را بوجود بیاورد و پیامدهای ناخواسته رقابت جهانی را به حد اقل برساند، این چیز است که افغانستان فاقد آن میباشد.

حاکمیت دولتی موجود بنابر سرشت ذاتی خویش در پنج سال گذشته بیشتر به توسعه تجارت اهتمام به خرچ داده و حمایت از بورژوازی دلال (کمپرادور) را در مرکز فعالیتهای خویش قرار داده و عملاً در جهت پاگیری این لایه سیال بورژوازی همه امکانات دولتی را به کار گرفته است.

تعقیب سیاست غیر متوازن و یک جانبه اقتصادی جاری دولت به نفع بورژوازی دلال و گسترش فعالیتهای قشر کمپرادور به ویژه در عرصه واردات کالاهای مشابه تولیدات داخلی، سودمندی ایجاد صنایع داخلی افغانی را زیر سوال برده است و امکان سرمایه گذاری در این عرصه را بنابر دلایل اقتصادی محدود ساخته و حتی در برخی ساحه های تولیدی برای مدتی منتفی مینماید.

سیاست پولی دولت، فرار سرمایه از داخل را رسمیت بخشیده و به سرمایه گذاری در سکتور صنعت ضربه وارد نموده، اداره دولتی قادر به آن نیست تا سیاست اسعاری دولت را به هدف ایجاد و تحکیم اقتصاد ملی تدوین و عملی نماید، اسعاری که از طرف کشورهای جهان، نهادهای بین المللی، مؤسسات مالی و بشری جهان به نام کمک به بازسازی و توسعه به افغانستان سرازیر میشود بدون کدام بهره برداری موثر اقتصادی در بدل واردات کالاهای مصرفی و اکثراً غیر ضروری و تجملی خارج میگردد.

اعتماد به پول افغانی بنا بر نبود امنیت، مصونیت، ثبات اقتصادی و سیاسی و عدم استقرار نظام معین اقتصادی، در بین مردم و منطقه به وجود نیامده است.

در اثر داد و ستد به اسعار خارجی به ویژه دالر، اوپرو، کلداری پاکستانی و ریال ایرانی پول افغانی به تدریج موقف تبادله‌ی خود را در مارکیتهای منطقه‌ی بی در مقابل اسعار خارجی از دست میدهد.

اداره دولتی بدون آنکه تدابیر مؤثر اقتصادی جهت حفظ ثبات پایدار پول افغانی و ازدیاد ذخایر اسعاری به منظور انکشاف و سرمایه‌گذاری اتخاذ نماید به صورت میکانیکی از طریق بانک مرکزی دالر نقده در مارکیتهای اسعاری کشور عرضه نموده و در مقابل، پول افغانی را از دوران میکشد، با کاهش ذخایر اسعاری د افغانستان بانگ، عرضه دالر امریکایی به پیمانۀ وسیع، که تأثیرات بازدارنده کاهش ارزش پول افغانی را داشته باشد برای بانگ مرکزی مقدور نخواهد بود. با آنکه مقدار اسعاری که به خاطر اجرای فعالیتهای استخباراتی و سیاسی به صورت غیر مجاز بوسیله شبکه های متعدد خارجی در کشور توزیع میگردد و هم اسعار بدست آمده از مدرک قاچاق مواد مخدر و احجار قیمتی و تزیینی که به بازارهای اسعاری داخلی وارد میگردد در ثبات ارزش پول افغانی تأثیر مثبت وارد نموده ولی ثبات نسبی ارزش تبادله‌ی بی پول افغانی که در بازارهای داخلی به وجود آمده بیشتر ناشی از حجم نازل پول داخل دوران در مقایسه با معاملات اقتصادی جاری و عدم تحرک، پویایی و گسترش فعالیتهای اقتصادیست، نه بیانگر انکشاف و رشد اقتصادی کشور.

### طرح اولویت های مسأله:

- از منظر مبانی نظری مدل های اقتصادی و مباحث توسعه صنایع و با بهره گیری از تجارب کشورهای که مسیر توسعه و انکشاف را می پیمایند، میتوان گفت که بدون نظارت، حمایت و ترغیب دولت، توسعه، انکشاف و پاگیری صنایع در کشور مقدور نیست. دولت باید نقش مؤثر و تعیین کننده‌ی بی را در جهت توسعه و انکشاف اقتصاد صنعتی کشور ایفا نماید و در جهت فراهم سازی زمینه های رشد و توسعه صنایع، سیاست تشویقی و حمایتی را تدوین و تطبیق کند.

- نباید با متشبهین تولیدی و صنایع خصوصی نوپای کشور برخورد غیر مسؤانه و تعصب آمیز به عمل آید، زیرا متشبهین تولیدی و خدماتی خصوصی در تکوین و تحکیم اقتصاد صنعتی ملی یکی از موتور های محرک اصلی رشد صنایع به شمار میروند، این بخش با به کارگیری سرمایه خود و جذب مشارکت سرمایه های غیردولتی و استفاده از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارساز، آگاه و مؤثر می تواند ضمن ایفای نقش خود در رشد اقتصاد صنعتی کشور، راه رسیدن به اهداف توسعه یی و انکشافی مرحله کنونی را کوتاه سازد. رشد و پاگیری صنایع داخلی به گسترش و قوام بورژوازی ملی به ویژه بورژوازی صنعتی از یک سو و طبقه کارگر صنعتی از سوی دیگر می انجامد.

- هر گاه تدابیر زیر به عنوان بخشی از اقدامات مرحله یی به وسیله دولت تحقق یابد، ( منظور دولت دموکراتیک مردمی و ترقیخواه است ) این تدابیر میتواند در فراهم سازی زمینه های لازم و ضروری برای ایجاد، گسترش و انکشاف صنایع داخلی کشور مفید و مؤثر واقع گردد.

- با نظام تعرفه یی از تولید کننده های داخلی حمایت به عمل آید، و به این منظور سیستم ویژه تعرفه یی حمایتی و تشویقی ایجاد گردد. پیش شرط برای به کار گیری نظام تعرفه یی این است که تولیدات داخلی اضافه گردد، اشتغال ایجاد شود نه اینکه قیمت ها بلند برود،

- در تعرفه های گمرکی کالا های وارداتی مشابه تولیدات داخلی افزایش به عمل آید،

- از صدور مواد خام مورد نیاز صنایع داخلی کشور با وضع تعرفه های گمرکی جلوگیری به عمل آید، در این زمینه باید اسناد تقنینی ویژه طرح و تدوین گردد. تدابیر اتخاذ گردد تا این اقدام مانع صدور مواد خام مازاد تقاضای صنایع داخلی نگردد،

- مواد خام وارداتی مورد تقاضای صنایع داخلی کشور از پرداخت محصول و سایر عوارض گمرکی معاف و در این زمینه تعرفه های حمایتی میعادى وضع گردد، دولت مکلف است برای جلوگیری از صدور مجدد مواد خام وارداتی مورد تقاضای صنایع داخلی کشور تدابیر اضافی اتخاذ بدارد،

- برای صدور تولیدات صنایع داخلی به خارج کشور معافیت های صادراتی گمرکی با وضع تعرفه های میعادى صادراتی اعطا، تسهیلات بندری فراهم، و تدابیر اتخاذ گردد تا مشکلات و موانع ترانزیتی از برابر ارقام صادراتی کشور به ویژه تولیدات صنعتی رفع و کاهش یابد،

- دولت باید در زمینه مارکیتنگ و بازار یابی تسهیلات را برای تشبثات خصوصی و مختلط فراهم نماید و در خریداری کالا های مورد ضرورت ارگانهای مربوطه خویش به خرید تولیدات داخلی رجحان بدهد،

- به منظور تشویق و ترغیب سرمایه گذاری در سکتور صنایع تولیدی کشور مفید پنداشته میشود تا تشبثات نویناد و تشبثاتی که مجدداً احیا و بازسازی میگردند از معافیتها و مساعدت های میعادى پرداخت مالیات بر عایدات، مالیه مواد استهلاکی و مالیه معاملات انتفاعی مستفید گردند، باید در قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی در این زمینه به نفع تشبثات تولیدی خصوصی تجدید نظر به عمل آید. و با در نظر داشت وضعیت جاری کشور در مدت معافیت مالیات ازدیاد صورت گیرد،

- دولت تدابیر اتخاذ بدارد تا از طریق بانک مرکزی و یا بانکهای اختصاصی برای تولید کننده های داخلی مساعدت های مالی را فراهم و قروض مورد ضرورت را به شرایط و ربح مساعد اعطا نماید، کاهش بهره بانکی از جمله اقداماتی حمایه یی دولت در بخش صنایع به شمار میرود،

- دولت باید در عرصه های تأمین انرژی برق، آب، بازسازی، احیا و ایجاد تأسیسات پایه یی، توزیع زمین برای احداث دستگاه ها و فابریکه ها و فراهم سازی زمینه های لازم برای بهبود شرایط کار کارگران و کارمندان سکتور صنایع داخلی کشور بر نامه های معین را طرح و اجرا کند،

- به منظور ارتقاء سويه علمي، فني و تخنيكي كارگران و كارمندان صنايع سكتور توليدي داخلي، دولت بايد با استفاده از پروگرامهاي تعليمي و آموزشي داخلي، مؤسسات بين المللي و دول متحابه سهم معين را به اختيار اين سكتور قرار دهد،  
به منظور بهبود وضع اجتماعي كارگران و كارمندان مؤسسات صنايع توليدي كشور، بايد در هر مؤسسه توليدي از مدرک مفاد حاصله سالانه تشبث توليدي مربوطه ذخاير امور اجتماعي كارگران ايجاد و تدابير اتخاذ گردد تا كارکنان اين مؤسسات از بيمه هاي اجتماعي به ويژه بيمه صحي، تقاعد ( بازنشسته گي ) و بيمه بيمه مستفيد گردند.

دولت بايد در منظوري، تأسيس، نظارت، حمايت و تشويق تشبثات خصوصي ( توليدي و خدماتي)، شاخصها و معيارهاي را به كار گيرد كه در توسعه، رشد و انكشاف اقتصاد كشور موثريت، مثمرت و سود آوري اقتصادي را بار آورد و در امر ايجاد و تحكيم اقتصاد ملي كشور و تحقق اهداف مرحله جاري در اين زمينه از جمله: بهبود كميت و كيفيت توليد داخلي، استفاده مؤثر از پس اندازها و منابع داخلي، تقليل و تعويض واردات و افزايش حجم صادرات از طريق تزئيد توليدات، انكشاف متوازن توليدات صنعتي در دهات و شهر هاي كشور، تأمين افزايش عوايد اسعاري و تأمين کالا هاي اساسي مورد نياز عامه مؤثر و ممد واقع گردد.

در فرجام بايد گفت كه احيا، توسعه و انكشاف صنايع در كشور در گام نخست مستلزم نظارت، حمايت و رهنمايي دولت و تأمين انسجام و همكاري لازم و ممد بين سرمايه گذاري هاي دولتي، خصوصي و تعاوني است، بايد در امر احيا، گسترش و انكشاف متوازن صنايع داخلي كشور و فراهم آوري زمينه هاي تجهيز مؤسسات صنعتي با وسايل تخنيك مدرن، سازماندهي كار و توليد و بهبود شرايط كار، دولت همه امکانات خویش را در كار گيرد، بايد ضرورتاً در جهت پاگيري، و گسترش بورژوازي صنعتي به مثابه اساسي ترين محرک رشد صنعت در اين مرحله تحول ساختاري اقتصادي - اجتماعي كشور تلاش نمود.



پینویس ها:

بر طبق "قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی افغانستان" ۲۷ حمل ۱۳۶۶، اصطلاحات آتی معانی ذیل را افاده میکند:

۱- **تشبث خصوصی**: شخصیت حقیقی یا حکمی است که جهت تولید و عرضه اموال و خدمات طبق قانون منظور و تأسیس گردیده باشد.

۲- **تشبث تولیدی**: تشبثی است که فعالیت تولیدی داشته مواد خام یا مواد نیمه ساخته را با اجرای عملیات لازم تغییر شکل و یا تغییر کیفیت بدهد.

۳- **تشبث خدماتی**: تشبثی است که فعالیت آن، عرضه خدمات به منظور بهتر ساختن کیفیت و ارزش امتعه تولیدی و فراهم آوری خدمات صنعتی، زراعتی، ترانسپورتی و ساختمانی باشد.

۴- **سرمایه گذار**: شخصیت حقیقی یا حکمی است که در تشبث خصوصی به سرمایه گذاری مبادرت ورزیده باشد

August/۲۰۰۶

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)